رویش روان شناسی، سال ۱۳، شماره ۷، شماره پیاپی ۱۰۰، مهر ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(7), 2024

پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی

Predicting marriage stability based on gender roles and marital justice

ریحانه امین پور شیخانی
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی کوشیار، رشت، ایران.
دکتر معصومه پورمحسن (نویسنده مسئول)
استادیار مامایی، گروه پرستاری و مامایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
دکتر وحید خوش روش
استادیار روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

Reyhaneh Aminpour Sheikhani
Master's student in Psychology, Department of Psychology, Kooshiar institute of higher education, Rasht, Iran.
Dr. Masoumeh Pourmohsen *
Assistant Professor, Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
masoumehpourmohsen@gmail.com
Dr. Vahid Khoshravesh
Assistant Professor, Department of Psychology, Tonekabon Branch, Islamic Azad University, Tonekabon, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی انجام شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل افراد متاهل شهر رشت در سال ۱۴۰۳ بود. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود و نمونه‌ای به تعداد ۲۲۳ نفر در نظر گرفته شد. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه نقش جنسیتی (BSRI؛ بم، ۱۹۷۴)، سنجه ادراک انصاف (PEM؛ پری، ۲۰۰۴) و شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII؛ ادواردز و همکاران، ۱۹۷۸) بودند. داده‌ها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که پایداری ازدواج به‌طور مثبت با نقش‌های کلیشه‌ای مردانه و به‌طور منفی با نقش‌های کلیشه‌ای زنانه و عدالت زناشویی رابطه معنادار دارد (P<۰/۰۵)، همچنین نتایج رگرسیون خطی چندگانه نشان داد که این متغیرها در مجموع ۳۳ درصد واریانس پایداری ازدواج را تبیین می‌کنند (P<۰/۰۵). در نتیجه نقش‌های جنسیتی عامل تعیین کننده ای در پیش‌بینی پایداری ازدواج به شمار می‌روند، همچنین رعایت عدالت و درک حقوق برابر در رابطه زناشویی گام بزرگی در جهت پایداری ازدواج است.

واژه‌های کلیدی: *عدالت زناشویی، نقش‌های جنسیتی، پایداری ازدواج.*

Abstract

This research aimed to determine the relationship between gender roles and marital justice on marital stability among married individuals. This study was descriptive-correlational. The population of this study included married individuals residing in Rasht City in 2023. The sampling method was convenience sampling, and a sample of 223 individuals was considered. The research instruments included the Sex Role Inventory (SRI; Bem,1974), the Perceived Marital Equity Measure (PEM; Perry, 2004), and the Marital Instability Index (MII; Edwards et al., 1978). Data was analyzed using the Pearson correlation coefficient and multiple linear regression. The results showed that the stability of marriage has a significant relationship positively with stereotypical male roles and negatively with stereotypical female roles and marital justice (P<0.05), as well as the results of multiple linear regression. It showed that these variables explain a total of 33% of the variance of marriage stability (P<0.05). It can be concluded that gender roles are a determining factor in predicting marital stability, and observing justice and understanding equal rights in marital relationships is a significant step towards marital stability.

Keywords: *Marital Justice, Gender Roles, Marriage Stability.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مرداد ۱۴۰۳** | **پذیرش: مرداد ۱۴۰۳** | **ویرایش نهایی: مهر ۱۴۰۳**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

مقدمه

زیربنای جامعه را ازدواج تشکیل می‌دهد که یکی از تاثیرگذارترین اتفاقات زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود (شاه‌نوش و همکاران، ۱۴۰۱). پایداری ازدواج[1] هسته اصلی خانواده می‌باشد. زوج‌های سالم باعث تشکیل خانواده‌های سالم می‌شوند، و در نهایت یک جامعه سالم را می‌سازند. پایداری ازدواج یکی از دشوارترین وظایف بزرگسالان است. اگر این مسیر به درستی طی شود، پایداری ازدواج کمک بسیاری به رشد روانی-اجتماعی و همچنین رشد شخصیتی زوجین خواهد کرد (فیاض و همکاران، ۱۴۰۰). ازدواج یکی از عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین درگیری‌های روابط انسانی است که در آن مردان و زنان به زندگی خانوادگی، برای زندگی در یک فضای صمیمی پذیرفته می‌شوند. ازدواج شرایط اجتماعی، اقتصادی و عاطفی را برای فرزندپروری مؤثر ایجاد می‌کند. متاهل بودن، سبک زندگی و عادات افراد را به شیوه‌هایی که از نظر شخصی و اجتماعی سودمند است تغییر می‌دهد. ازدواج «بذر» رفتارهای اجتماعی است. ازدواج باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود. پیوندهای اجتماعی که از طریق ازدواج ایجاد می‌شود، نه تنها برای خانواده، بلکه برای دیگران، از جمله جامعه بزرگتر، مزایایی به همراه دارد (سینگ[2] و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات ثناگویی زاده (۱۴۰۰) نشان داده است بر اساس داده‌های مرکز ثبت احوال و آمار کشور ایران، آمار طلاق از سال ۸۸ تاکنون، هر ساله حدود ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و به همین ترتیب آمار ثبت ازدواج کاهش یافته است. ریشه طلاق، ناپایداری ازدواج و کارایی پایین خانواده است. ازدواج‌هایی که به طلاق ختم می‌شوند آسیب‌های بسیاری از جمله روانی، جسمی و اجتماعی برای زوجین، فرزندان و خانواده‌های مرتبط با آن‌ها به وجود می‌آورند (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹).

ازدواج به معنی یک اتحاد رسمی و قرارداد اجتماعی و حقوقی بین دو نفر که زندگی خود را به لحاظ قانونی، اقتصادی و احساسی به هم متصل می‌کنند، است. با توجه به معنای ازدواج و همچنین حقیقت آن، زن و شوهر در طول زندگی خود و یا تا زمانی که تصمیم به طلاق نگرفته‌اند، از تعهدات قانونی نسبت به یکدیگر برخوردار هستند (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۵). ثبات ازدواج متاثر از کیفیت و تعهد به ازدواج می‌باشد و در مقابل متلاشی شدن واقعی و مجازی است که هر کدام از زوجین ممکن است بدون طلاق به رابطه پایان دهد (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی شاخص‌های زندگی زناشویی مطلوب، پایداری ازدواج می‌باشد. این سازه در ارتباطات زناشویی تحت عنوان باقی ماندن قانونی ارتباط ازدواج در یک خانواده و عدم وجود طلاق در طی زمان تعریف می‌گردد. ثبات ازدواج مسئله مهمی می‌باشد که در هر ازدواج باید به آن دقت کرد؛ زیرا شناسایی عوامل آن موجب کاهش طلاق و افزایش ثبات و پایداری در ازدواج می‌گردد (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱). ثبات ازدواج عنصری از معیار عشق است که توسط یک زوج نشان داده می‌شود و فرایندی است که بر نوع رابطه آنها تأثیر می‌گذارد. ثبات زناشویی شاخصی از ماهیت شناسایی متقابل و تقسیم مسئولیت‌ها و تعهدات دوران پس از ازدواج زن و شوهر است. ثبات زناشویی نشانه تداوم روابط هسته ای وابستگی متقابل، اعتماد و دوستی است و معیاری برای پیش بینی ازدواج شاد می‌باشد (اویگونوا[3] و همکاران، ۲۰۱۹).

این ملاحظات این سوال را مطرح می‌کند که چه عواملی ممکن است در دوام ازدواج دخیل باشند، آن دسته از ازدواج هایی که در دراز مدت موفق می‌شوند چگونه به پایداری می‌رسند، یکی از این عوامل نقش‌های جنسیتی می‌باشد. مطابق نظریه طرحواره جنسیتی[4] بم[5]، اصطلاح نقش جنسیتی[6] شامل مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی و رفتاری در یک فرهنگ خاص است که عموماً برای فردی با یک جنس مشخص مناسب دانسته می‌شوند و شامل افکار، رفتار، عادت و خصوصیات شخصیتی هستند که به یک جنسیت خاص در آن فرهنگ نسبت داده می‌شود. ریشه مسئله جنسیت، ایدئولوژی مردسالارانه است و این نابرابری در توزیع ثروت، قدرت و امتیازات بین زن و مرد است (پوریتاساری و آل-موباروک[7]، ۲۰۲۳). نظریه‌ها و نتایج بسیاری از پژوهش‌های انجام شده رابطه نقش‌های جنسیتی با زندگی زناشویی را تایید می‌کنند. به طور مثال در پژوهش محمدیاری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داده شد نگرش جنسیتی سنتی مردان در برخورد با مسایل گوناگون زندگی مشترک و دیدگاه نابرابر آنها نسبت به همسران خود، عامل مهمی در ایجاد تعارضات زناشویی است. همچنین پژوهش عامری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد کمترین میزان تعارضات در زنان متاهل با نقش جنسیتی آندروژنی[8] وجود داشت که هم ویژگی‌های

1-Marriage Stability
2 - Singh
3 - Oyegunwa
4 - Gender Schema
5 -Bem
6 -Gender role
7 -Purwitasari & Al-Mubarok
8 - Androgyny

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

زنانگی و هم مردانگی دارند، بدین ترتیب نقش جنسیتی عامل تعیین کننده ای در پیش بینی تعارضات زناشویی زنان به شمار می‌رود. مطالعات لازوردی و پوسپیتاواتی[1] (۲۰۲۲) نشان داد ناهماهنگی نقش‌های جنسیتی می تواند کیفیت ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا باعث ایجاد شرایط بی‌عدالتی می‌شود و یکی از طرفین متضرر شده و سازگاری زوجین کاهش می‌یابد. مطالعات پورشهباز و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد تعارضات نقش جنسیتی پیش‌بینی کننده مشکلات رضایت زناشویی است و ارزیابی عملکرد خانواده می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش آمار طلاق داشته باشد.

از سوی دیگر، طبق نظریه ادراک انصاف پری[2]، عدالت[3]، مفهومی است برابر با انصاف و هر دو بر این نکته اصرار دارند که شرکت کردن و سپرده گذاری در یک رابطه، با سطح پاداش و سود دریافتی از همان رابطه مرتبط است. مدل انصاف ادراک، عدالت را در چهار حیطه انجام کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد (فریسکو و ویلیامز[4]، ۲۰۰۳). پژوهش چراغیان و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد ایجاد تعادل در درآمد و هزینه و برابری زناشویی در زمینه ایجاد سازگاری زناشویی، بهبود رضایت زناشویی، بهبود کیفیت روابط زناشویی و ایجاد تعاملات مفید و پایدار تاثیرگذار خواهد بود. همچنین پژوهش جباری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد عدالت زناشویی اثر مثبت و مستقیم بر سازگاری زناشویی دارد. پژوهش سیاحی و سیاحی (۱۴۰۰) نشان داد ادراک انصاف اثر مستقیمی بر کیفیت و رضایت از رابطه زناشویی دارد. مطالعات قبادی و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان داد عدالت زناشویی و خودکارآمدی از طریق تنظیم هیجان منفی بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارد. طبق پژوهش تانیگوچی و کافمن[5] (۲۰۲۲) تجزیه و تحلیل از داده‌های بررسی توسعه میانسالی در ژاپن نشان می‌دهد که شوهرانی که می‌گویند همسرانشان ساعات بیشتری از خودشان کارهای خانه انجام می‌دهند، کیفیت زناشویی بالاتری را گزارش می‌کنند، در حالی که هیچ الگوی قابل مقایسه برای همسران وجود ندارد و عادلانه بودن تقسیم کار خانه تنها برای زنان تأثیر مثبتی بر کیفیت زناشویی دارد. لی و کیم[6] (۲۰۲۱) در پژوهشی بیان کردند که ارتباط مثبت بین دارایی های مالی برابر و ثبات زناشویی عمدتاً توسط یکپارچگی مالی یا دارایی های مشترک هدایت می شوند و زوج‌هایی که دارایی‌های برابر هستند، پایدارترین ازدواج‌ها را دارند.

با توجه به مطالب گفته شده، اگرچه تحقیقات گسترده‌ای نقش عوامل متعددی را بر پایداری و ثبات ازدواج مورد بررسی قرار داده است، اما محدودیت‌هایی در مورد تاثیر نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی بر ثبات زناشویی وجود دارد. این شکاف قابل توجه است، زیرا تعارضات نقش جنسیتی و همچنین نابرابری در روابط زناشویی باعث کاهش کیفیت، سازگاری و رضایت زناشویی در افراد متاهل می‌شود و ثبات خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با مطالعه میزان تاثیر نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی[7] در پایداری ازدواج به منظور افزایش ثبات و دوام خانواده ارائه گردیده است. پر کردن این شکاف از این نظر اهمیت دارد که زوج‌هایی که نگرش‌های برابری‌طلبانه‌تر دارند، جایی که هر دو شریک در مسئولیت‌های زندگی مشترک هستند، تمایل دارند سطوح بالاتری از کیفیت و ثبات زناشویی را گزارش کنند. بنابراین این پژوهش با هدف پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، افراد متاهل شهر رشت در سال ۱۴۰۳ بود. با توجه به اینکه حداقل حجم نمونه برای مطالعات همبستگی ۲۰۰ نفر پیشنهاد شده است (کلاین[8]، ۲۰۱۱)، ۲۲۳ نفر به روش دردسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند، ملاک‌های ورود به پژوهش عبارتند از: رضایت و علاقه به شرکت در پژوهش، تاهل، دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵، عدم سابقه طلاق و متارکه، عدم تجربه سوگ و خشونت در شش ماه گذشته و عدم ابتلا به اختلالات روانشناختی و مصرف داروی روانپزشکی و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه همکاری و تکمیل ناقص پرسشنامه‌های پژوهش بود. همچنین ملاحظات اخلاقی به شرح ذیل رعایت شد: پیش از شروع پژوهش، شرکت کنندگان از موضوع و روش اجرا پژوهش مطلع شدند. پژوهشگر متعهد شد تا از اطلاعات شخصی

1 -Lazuardi & Puspitawati
2 -Perry
2-Equity
3 -Frisco & Williams
5 -Taniguchi & Kaufman
5 -Lee & Kim
6 -Marital Justice
8 - Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

و حریم خصوصی شرکت کنندگان حفاظت نماید. در صورت مشاهده هر نوع ابهام، راهنمایی های ضروری به شرکت کنندگان ارائه شد. شرکت در این پژوهش هیچ هزینه مالی برای شرکت کنندگان نداشت. و این تحقیق با موازین فرهنگی شرکت کنندگان و جامعه هیچ مغایرتی نداشت. به منظور جمع آوری داده‌ها از فرم نظرسنجی آنلاین در سامانه پرس‌لاین استفاده شد، لینک پرسشنامه از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام و واتس‌اپ در داخل گروه‌ها ارسال و نمونه‌گیری انجام شد. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام به گام و نرافزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI)[1]: این پرسشنامه به وسیله بم (۱۹۷۴) طراحی شده است و ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی دارد و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود در مقیاس ۱ (هرگز یا تقریبا هرگز درست نیست) تا مقیاس ۷ (همیشه یا تقریبا درست است) بیان کنند که کدام مقیاس به آن‌ها نزدیک تر است. از ۶۰ صفت ۲۰ صفت کلیشه زنانه ، ۲۰ صفت کلیشه مردانه، و ۲۰ صفت خنثی هستند. افراد با انجام این آزمون در ۴ گروه (مردانه، زنانه، دوجنسیتی، و یا نامتمایز) جای می‌گیرند. پاسخ دهندگان دو نمره بدست می‌آورند که اولی نمره مردانگی و دومی نمره زنانگی است. نمره متوسط در این مقیاس ها ۴/۹ است. افراد دوجنسیتی یا آندروژنی در هردو مقیاس نمره بالاتر از میانه دریافت می‌کنند. افرادی که در هردو مقیاس نمره پایینی دریافت می‌کنند نامتمایز نامیده می‌شوند. بر اساس آزمون‌های بسیاری که در کشورهای مختلف انجام شد، بم (۱۹۸۱) این پرسشنامه را بر اساس معنادارترین گزینه‌ها به ۳۰ صفت تقلیل داد. بم در سال (۱۹۸۱) در یک تحقیق ۲۸ دانشجوی مرد و ۲۸ دانشجوی زن را مورد بررسی قرار داد. ضرایب روایی همگرا با استفاده از پرسشنامه هویت نقش جنسیتی در زنان و مردان در بعد زنانگی به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۲ و در بعد مردانگی ۰/۸۶ و ۰/۹۴ بدست آمد؛ همچنین در این مطالعه پایایی به روش همسانی درونی برای نقش‌های زنانه ۰/۷۳، نقش‌های مردانه ۰/۸۰ و برای صفات خنثی ۰/۷۷ آلفای کرونباخ محاسبه شد (بم، ۱۹۸۱). عبدی (۱۳۸۰) برای نخستین بار اعتبار پرسشنامه نقش جنسیتی بم (فرم بلند ۶۰ ماده‌ای) را در نمونه ایرانی مورد تایید قرار داد و به روش تحلیل عاملی تاییدی ۳۰ سوال را در سه زیرمقیاس تایید کردند که وزن رگرسیون هر یک از سوالات بیش از ۰/۴۰ محاسبه شد و ضرایب همبستگی نمره کل با نقش‌های زنانه ۰/۴۷، با نقش‌های مردانه ۰/۶۹ و نقش‌های خنثی ۰/۵۵ محاسبه شد؛ همچنین در این مطالعه ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۸ گزارش شد. در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۳ و در خرده مقیاس‌های زنانگی و مردانگی به ترتیب با ۰/۷۷ و ۰/۷۰ به دست آمد.

سنجه ادراک انصاف (PEM)[2]: پری (۲۰۰۴) این سنجه را ساخته است. در این سنجه عدالت به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است که ادراک انصاف را در ۴ حیطه انجام دادن کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سوال‌های این سنجه به صورت طیف لیکرت به ترتیب از (۱ بسیار ناعادلانه از نظر من، ۲ بسیار ناعادلانه از نظر همسرم، ۳ تا حدی ناعادلانه از نظر من، ۴ تا حدی ناعادلانه از نظر همسرم و ۵ عادلانه برای من و همسرم) نمره گذاری می‌شوند. به این صورت که کمترین نمره ۴ و بالاترین نمره ۲۰ می‌باشد که به ترتیب نشان دهنده انصاف پایین و انصاف بالا در رابطه است. پری (۲۰۰۴) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۵۷ گزارش کرد و از همسانی درونی مناسبی برخوردار بوده است؛ همچنین روایی به روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد که یک عامل شناسایی شده ۵۱٪ از واریانس را تبیین کرد. سیاحی و سیاحی (۱۴۰۰) پایایی این سنجه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ محاسبه کردند. و برای محاسبه روایی، همبستگی پرسشنامه را با کیفیت زندگی زناشویی ۰/۸۹ بدست آوردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ بدست آمد.

پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII)[3]: پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج توسط ادواردز و همکاران (۱۹۷۸) طراحی شده است. این پرسشنامه یک ابزار ۱۴ سوالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی ساخته شده است. این اصطلاح برای مشخص کردن گرایش یک زوج به زوال ازدواج اشاره دارد. بی ثباتی ازدواج در این تعریف دربرگیرنده سه حالت ۱. وضعیت عاطفی، ۲. نگرانی‌های شناختی رابطه و ۳. اعمال معین است. نمره گذاری این ۱۴ سوال به صورت طیف لیکرت است و به صورت (خیلی۴، اغلب۳، گاهی۲، و هرگز۱) درجه بندی شده است. نمره بین ۱۴ تا ۲۸ بیانگر میزان پایین بی‌ثباتی ازدواج است. نمره بین ۲۸ تا ۴۲ بیانگر میزان متوسط بی‌ثباتی ازدواج در فرد است. نمره بین ۴۲ تا ۵۶ بیانگر میزان بالای بی‌ثباتی ازدواج در فرد است. در نمونه خارجی روایی این پرسشنامه به

1 -Bem Sex Role Inventory
2 -Perceived Marital Equity Measure
3 -Marital Instability Index

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

روش همگرا با پرسشنامه صمیمت زناشویی ۰/۵۷ و با پرسشنامه سازگاری زناشویی ۰/۴۹ محاسبه شد؛ همچنین پایایی ۰/۷۹ آلفای کرونباخ محاسبه شده است (دیویدسون[1]، ۱۹۸۴). ریحانی و همکاران (۱۳۹۵) پایایی همسانی درونی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ گزارش کردند. همچنین قزلسفلو و هاشمی (۱۳۹۷) روایی افتراقی این پرسشنامه را با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر[2] (۱۹۷۶) ضریب همبستگی ۰/۵۶- گزارش کرده‌اند. همچنین رضایی و همکاران (۱۳۹۲) روایی همگرایی این پرسشنامه را با صمیمیت زناشویی ضریب همبستگی ۰/۵۳- گزارش کردند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ بدست آمد.

یافته ها

این پژوهش بر روی ۲۲۳ نفر از افراد متاهل شهر رشت انجام شد که شرکت کنندگان در میانگین سنی ۴۵/۰۲ و انحراف معیار ۱۰/۲۱ سال قرار داشتند. همچنین ۱۲۳ نفر (۵۵/۲ درصد) زن و ۱۰۰ نفر (۴۴/۸ درصد) مرد بودند. ۶۹ نفر (۳۹/۹ درصد) دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰۵ نفر (۴۷/۱ درصد) دارای کاردانی/کارشناسی، ۴۲ نفر (۱۸/۸ درصد) دارای کارشناسی ارشد و ۷ نفر (۳/۱ درصد) دارای تحصیلات دکتری بودند. در این پژوهش ۱۷۵ نفر (۷۸/۵ درصد) فرزندی نداشتند و در مقابل ۴۸ نفر (۲۱/۵ درصد) دارای حداقل یک فرزند بودند. همچنین مشارکت کنندگان در میانگین طول دوران ازدواج ۱۶/۸۰ سال و انحراف معیار ۱۰/۶۲ سال قرار داشتند. در جدول ۱ شاخص‌های گرایش مرکزی متغیرها و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های گرایش مرکزی متغیرهای پژوهش و ضرایب همبستگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴
۱- پایداری ازدواج	۱۸/۹۵	۴/۹۱	۱/۳۰	۱/۹۹	۱			
۲- نقش‌های کلیشه‌ای مردانه	۹۸/۷۷	۱۳/۰۶	-۰/۲۹	۰/۵۱	۰/۱۵ *	۱		
۳- نقش‌های کلیشه‌ای زنانه	۱۰۱/۴۰	۱۰/۱۳	-۰/۳۸	۰/۷۸	-۰/۳۲ **	۰/۱۲	۱	
۴- نقش‌های خنثی جنسیتی	۹۷/۱۳	۷/۴۸	۰/۶۶	۱/۱۵	۰/۱۳	۰/۵۶ **	۰/۴۹ **	۱
۵- عدالت زناشویی	۱۱/۲۲	۲/۰۵	۱/۲۴	۱/۴۶	-۰/۴۲**	۰/۰۲	۰/۱۷ *	۰/۰۳

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک ارائه شده است، در ادامه به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها پرداخته شده است. در ادامه جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها شاخص‌های کجی و کشیدگی محاسبه شد؛ نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که شاخص‌های کجی و کشیدگی همه متغیرها در دامنه مطلوب وجود دارد، بر این اساس می‌توان گفت داده‌ها دارای توزیع نرمال است و می‌توان از آزمون‌های پارامتری استفاده نمود. هر[3] و همکاران (۲۰۱۰) و براین[4] (۲۰۱۰) استدلال کردند که اگر کجی بین ۲- تا ۲+ و کشیدگی بین ۷- تا ۷+ باشد، داده‌ها نرمال در نظر گرفته می‌شوند. همچنین نتایج نشان داد که پایداری ازدواج به‌طور مثبت با نقش‌های کلیشه‌ای مردانه (r=۰/۱۵) و به‌طور منفی با نقش‌های کلیشه‌ای زنانه (r=-۰/۳۲) و عدالت زناشویی (r=-۰/۴۲) رابطه معنادار دارد (P<۰/۰۵)، اما بین نقش‌های خنثی جنسیتی و پایداری ازدواج رابطه معنادار یافت نشد. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها جهت آزمون این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است، در ادامه پس از گزارش پیش فرض‌ها نتایج تحلیل ارائه شده است. جهت اجرای رگرسیون نیاز هست در ابتدا به بررسی دو پیش‌فرض آماری استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه پرداخته شود. در ادامه نتایج این دو پیش فرض ارائه شده است.

برای سنجش عدم هم‌خطی چندگانه از آزمون تورم واریانس (VIF) با در نظر گرفتن میزان تحمل داده‌ها استفاده شد که نتایج این آزمون (با توجه به اینکه همگی در شاخص تورم واریانس کمتر از عدد ۲ هستند) نشان داد ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین هم‌خطی چندگانه نیست و شرایط برای استفاده از رگرسیون فراهم است. همچنین اگر آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، استقلال خطاها

1 - Davidson
4- Spanier
3- Hair
4- Bryne

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

محقق شده است در مدل حاضر ۲/۰۲ حاسبه شده که نشان دهنده استقلا خطاه‌ها می‌باشد. با توجه به برقراری پیش‌فرض‌ها امکان اجرای آزمون‌های وابسته به رگرسیون وجود دارد.

جدول ۲: خلاصه مدل رگرسیون پیش‌بینی پایداری ازدواج

مدل	R	ضریب تعیین	مقدار F	معناداری
عدالت زناشویی	۰/۴۲	۰/۱۷	۴۷/۰۹	۰/۰۰۱
نقش‌های کلیشه‌ای زنانه	۰/۴۹	۰/۲۴	۳۴/۸۴	۰/۰۰۱
نقش‌های خنثی جنسیتی	۰/۵۷	۰/۳۳	۳۶/۷۲	۰/۰۰۱

خلاصه مدل رگرسیون نشان داد که در گام اول عدالت زناشویی، سپس نقش‌های کلیشه‌ای زنانه و نقش های خنثی در مجموع ۳۳ درصد از واریانس پایداری ازدواج را به‌طور معنادار پیش‌بینی می‌کنند، در ادامه ضرایب مدل رگرسیون ارائه شده است.

جدول ۳: ضرایب مدل رگرسیون پیش‌بینی پایداری ازدواج

مدل	ضریب غیراستاندارد	خطای انحراف استاندارد	ضریب استاندارد (بتا)	مقدار t	معناداری
مقدار ثابت	۲۷/۶۹	۳/۸۹	-	۷/۱۱	۰/۰۰۱
عدالت زناشویی	-۰/۸۷	۰/۱۳	-۰/۳۵	-۶/۳۹	۰/۰۰۱
نقش‌های کلیشه‌ای زنانه	-۰/۲۱	۰/۰۳	-۰/۴۳	-۶/۷۷	۰/۰۰۱
نقش‌های خنثی جنسیتی	۰/۲۳	۰/۰۴	۰/۳۵	۵/۵۶	۰/۰۰۱

ضرایب مدل رگرسیون نشان داد که به ترتیب عدالت زناشویی، سپس نقش‌های کلیشه‌ای زنانه و نقش های خنثی با ضرایب استاندارد ۰/۳۵-، ۰/۴۳- و ۰/۳۵ بر پاداری ازدواج اثر دارند، در واقع با ثابت ماندن سایر عوامل، این سه متغیر بر پایداری ازدواج اثر دارند و در مجموع ۳۳ درصد از واریانس را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش پیش بینی پایداری ازدواج بر اساس نقش‌های جنسیتی و عدالت زناشویی بود. یافته اول نشان داد که نقش‌های کلیشه‌ای مردانه به طور مثبت و نقش‌های کلیشه‌ای زنانه به طور منفی بر پایداری ازدواج اثر دارند؛ پایداری ازدواج در این مطالعه نشان دهنده بی‌ثباتی در ازدواج است؛ در واقع نقش‌های کلیشه‌ای مردانه باعث کاهش ثبات و نقش‌های کلیشه‌ای زنانه باعث افزایش ثبات در ازدواج می‌شوند. این یافته با نتایج محمدیاری و همکاران (۱۴۰۲)، عامری و همکاران (۱۴۰۲)، لازوردی و پوسپیتاواتی (۲۰۲۲) و پورشهباز و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت تاثیر نقش‌های جنسیتی بر ثبات ازدواج موضوعی پیچیده و چندوجهی است، تحقیقات نشان می‌دهند که انتظارات سنتی نقش جنسیتی می‌تواند تعارض و بی‌ثباتی زناشویی را افزایش دهد. هنگامی که زن و شوهر دیدگاه‌های مساوات‌طلبانه‌تری در مورد نقش‌های جنسیتی دارند، ازدواج‌های پایدار و رضایت‌بخش‌تری دارند و برعکس، پایبندی سخت به هنجارهای جنسیتی سنتی، مانند نان آور اصلی شوهر و مسئولیت زن در انجام وظایف خانگی، می‌تواند منجر به عدم تعادل قدرت و رنجش در روابط شود. پیترومواکو[1] و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند اگر یکی از زوجین در هنگام تعارضات زناشویی احساس قدرت کمتری داشته باشد، میزان تسلیم بیشتری را نشان می‌دهد. همچنین این تاثیر برای زنان، به خصوص زنان دارای نقش جنسیتی صرفا زنانه بارزتر است و در نتیجه قدرت سازگاری زناشویی کمتر همراه با تسلیم بیشتر برای آنان پیش‌بینی می‌شود. بنابراین ایجاد مانع توسط نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای در راه تعاملات مثبت انسانی و رسیدن به توافقات دو طرفه در روابط، قابل تصور می‌باشد.

یافته دوم نشان داد که عدالت زناشویی به طور منفی بر پایداری ازدواج اثر دارند؛ پایداری ازدواج در این مطالعه نشان دهنده بی‌ثباتی در ازدواج است؛ در واقع عدالت زناشویی باعث افزایش پایداری ازدواج می‌شود. این یافته با نتایج چراغیان و همکاران (۱۴۰۲)، جباری و

1- Pietromonaco

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

همکاران (۱۴۰۱)، سیاحی و سیاحی (۱۴۰۰) و تانیگوچی و کافمن (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین می‌توان گفت تأثیر عدالت زناشویی بر ثبات ازدواج قابل توجه است، مطالعات نشان داده‌اند که برابری بیشتر در تقسیم ساعات کار باحقوق و کار بی‌حقوق (که شامل انجام کارهای خانگی و نگهداری از فرزندان می‌شود)، در زوجین با افزایش ثبات زناشویی همراه است. به طور خاص، زمانی که زوج‌ها تعادل مساوی‌تری در مسئولیت‌ها داشته باشند، کمتر احتمال دارد که انحلال زناشویی را تجربه کنند (ادزووی[1]، ۲۰۲۰). هنگامی که زوج‌ها نقش‌های جنسیتی برابرتر و احساس برابری بیشتری در روابط خود دارند، تمایل دارند سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را گزارش کنند که به نوبه خود باعث ثبات بیشتر ازدواج می‌شود. به طور کلی، این تحقیق نشان می‌دهد که برابری زناشویی، که با تقسیم عادلانه‌تر کار و قدرت تصمیم‌گیری مشخص می‌شود، با افزایش رضایت زناشویی و کاهش خطر طلاق، تأثیر مثبتی بر ثبات ازدواج دارد. به نظر می‌رسد برابری زناشویی عامل مهمی در حفظ روابط سالم و طولانی مدت باشد.

به طور کلی این پژوهش نشان می‌دهد که ازدواج‌هایی با پویایی قدرت برابر و نقش‌های جنسیتی منعطف‌تر، پایداری و ثبات بیشتری دارند. نقش‌های جنسیتی سنتی هنوز می‌توانند چالش‌هایی ایجاد کند، گرایش به سمت مشارکت‌های برابری‌تر عموماً با رضایت و ثبات زناشویی بیشتر همراه است. تحقیقات نشان می‌دهند که هنجارهای جنسیتی سنتی و پویایی قدرت در ازدواج ها در حال تغییر است و روابط برابری طلبانه رایج‌تر شده است. با این حال، این گذار بدون چالش نبوده است؛ زیرا زنانی که مشاغل خارج از خانه را دنبال می‌کنند ممکن است در ایجاد تعادل بین شغل و مسئولیت‌های خانگی با مشکلاتی مواجه شوند. با توجه به یافته‌ها به نظر می‌رسد در فرایند فرهنگ‌پذیری در جامعه ایران، با وجود ایجاد تغییرات در نقش‌های جنسیتی، همچنان کارکردهای رفتاری در بین خانواده ها بر اساس رفتار سنتی انجام می‌شود و از زنان درخواست و تقاضای بیشتری در جهت اجرای نقش‌های سنتی وجود دارد و هنجارهای موجود در نقش زنان در چارچوب فرهنگ و خانواده دارای ابهام و تناقض بیشتری نسبت به مردان است، بنابراین انتظار می‌رود که زنان با تعارض در نقش زنانگی و ایفای نقش در زندگی مواجه باشند. همچنین براساس پژوهش‌های انجام شده اگر یکی از زوجین در زندگی مسئولیت‌پذیر نباشد، همسرش را به سمت خستگی و فرسودگی روانی و ذهنی می‌برد. زوجین به منظور حفظ ثبات و پایداری روابط زناشویی خود در زندگی مشترک نیازمند تقسیم عادلانه وظایف می‌باشند، آنان نمی‌توانند به تنهایی از پس چالش‌های زندگی بر بیایند و فرایند ازدواج فقط به صورت اشتراکی پیشرفت می‌کند.

محدودیت‌های پژوهش حاضر شامل موارد زیر بود: این پژوهش بر روی افراد متاهل شهر رشت انجام شده، بنابراین در تعمیم نتایج آن به سایر جوامع باید با احتیاط لازم صورت گیرد. همچنین در این پژوهش از روش پرسشنامه استفاده شد و از روش‌های دیگر مثل مصاحبه بالینی و مشاهده استفاده نشد. سایر متغیرهای اجتماعی و روانشناختی تأثیرگذار بر نتایج پژوهش از جمله وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و پیشینه خانوادگی کنترل نشده است. با توجه به اینکه در این پژوهش نمونه فقط افراد متاهل شهر رشت بودند، پیشنهاد می‌شود در این راستا پژوهش‌های دیگری در بقیه جوامع انجام گیرد تا امکان تعمیم نتایج با اطمینان بیشتری رخ دهد. همچنین نمونه پژوهش حاضر به صورت روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود تا تعمیم پذیری یافته‌ها افزایش یابد. با توجه به پژوهش حاضر که از نوع همبستگی بود، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با حمایت سازمان‌های ذی‌صلاح، یک برنامه تحقیقاتی بلندمدت که در آن شاخص ثبات ازدواج ممکن است بیش از یک بار اندازه‌گیری شود، تدوین کنند و از سایر ابزارها مثل مصاحبه و مشاهده در کنار پرسشنامه بهره ببرند. همچنین پیشنهاد می‌شود سایر متغیر هایی که در این پژوهش کنترل نشده (همچون شاغل یا خانه‌دار بودن همسران، میزان درآمد، مدت ازدواج و ...) در پژوهش‌های بعدی کنترل شود تا نتایج دقیق‌تری بدست آید. با توجه به تاکید متخصصان بر آموختنی بودن مهارت‌های موثر در روابط زناشویی می‌توان با آموزش این مهارت ها به افراد، سلامت روانی و میزان پایداری ازدواج در آنها را افزایش داد لذا پیشنهاد می‌شود برنامه های آموزشی در جهت یادگیری، شناخت و مسئولیت پذیری در تقسیم وظایف در ارتباط زناشویی برگزار گردد.

منابع

ثناگویی‌زاده، م. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مرتبط با پایداری ازدواج در مطالعات ایرانی *(۱۳۸۸-۱۳۹۸). سیاستگذاری عمومی*, ۷(۳), ۲۶۱-۲۷۷. https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.83378

1- Adzovie

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

جباری، ر.، زهراکار، ک. و صدری دمیرچی، ا. (۱۴۰۱). ارائه مدل سازگاری زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده با میانجی‌گری عدالت زناشویی در زوجین شاغل در نیروهای مسلح. *روانشناسی نظامی*، ۱۳(۵۲)، ۱۱-۳۱. https://jmp.ihu.ac.ir/article_207930.html

چراغیان، ح.، امان اللهی، ز.، کاکاوندی، م. و کارشناس، م. (۱۴۰۲). ملاک‌های توافق مالی زوجین هر دو شاغل و بررسی نقش آن بر روابط زناشویی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۹(۶۶)، ۳۱۱-۳۳۷. https://civilica.com/doc/2003715

خجسته‌مهر، ر.، فرامرزی، س. و رجبی، غ. (۱۳۹۱). بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی. *مطالعات روان شناختی*، ۸(۱ (۳۰))، ۰-۰. https://doi.org/10.22051/psy.2012.1527

دهدست، ک. و قبادی، ش. (۱۳۹۹). تبیین شاخص های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۱۱(۴۳)، ۱۲۱-۱۵۸. https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.47218.2230

رضایی، ز.، بوستانی‌پور، ع. و حبیبیان، ف. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متاهل. *پژوهش های مشاوره*، ۱۲ (۴۷)، ۶۹-۸۲. http://irancounseling.ir/journal/article-1-60-fa.html

ریحانی، ر.، سلیمانیان، ع. و نظیفی، م. (۱۳۹۵). پیش بینی بی ثباتی ازدواج براساس مهارتهای تنظیم هیجانی و سبک های هویتی. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۶(۱)، ۶۰-۷۶. https://doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140

سیاحی، ل.، و سیاحی، م. (۱۴۰۰). آزمون مدل علی کیفیت زندگی زناشویی از طریق ادراک انصاف و تجارب معنوی روزانه با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود در معلمان زن متأهل. *روانشناسی فرهنگی زن*، ۱۳ (۴۹)، ۹۵-۱۰۷. https://civilica.com/doc/1383265

شاه نوش‌فروشانی، ا.، جهانگیر، پ.، و باصری، ا. (۱۴۰۱). رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایزیافتگی خود با ثبات ازدواج: نقش میانجیگری صمیمیت. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۱۰(۱۹)، ۱۰۷-۱۳۶. https://doi.org/10.30497/esi.2023.243564.1582

عامری، ف.، شیرازی، س، و زهرائی، ش. (۱۴۰۲). ارتباط نقش‌های جنسیتی و انصاف ادراک شده با تعارضات زناشویی زنان متأهل. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۳(۱)، ۱۶۶ http://jdisabilstud.org/article-1-2807-fa.html

عبدی، ب. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین نقش های جنسیتی، وضعیت های هویت شغلی با ترس از موفقیت دانشجویان دختر و پسر سال چهارم رشته های فنی و مهندسی دانشگاههای دولتی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم. https://ganj.irandoc.ac.ir//#/articles/cdaa371e316b113bc2e0f5f8f38e67cd

فیاض‌صابری، م.، توزنده‌جانی، ح.، ثمری، ع. و نجات، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی پایداری ازدواج بر اساس سبک عشق‌ورزی و خودابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی: یک پژوهش زمینه‌یابی. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱۱(۱)، ۱۷۷-۲۱۰. https://doi.org/10.22034/fcp.2021.62311

قزلسفلو، م.، و هاشمی، س. (۱۳۹۷). پیش بین های بی ثباتی ازدواج: بی آلایشی زوجین و راهبردهای حفظ رابطه. *مشاوره کاربردی*، ۸(۱)، ۱-۱۸. https://doi.org/10.22055/jac.2018.24123.1535

محمدیاری، ا.، رضایی‌شریف، ع.، کیانی، ا. و صدری‌دمیرچی، ا. (۱۴۰۲). شناسایی کشمکش‌های نقش جنسیتی و مالی زنان شاغل درگیر تعارضات زناشویی: مطالعه پدیدارشناسی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*. ۱۸(۶۴)، ۲۶۷-۲۹۴. https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1402.18.64.12.0

نوروزی، ا.، منیرپور، ن. و میرزاحسینی، ح. (۱۴۰۱). تعیین مدل پایداری ازدواج براساس کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با نقش میانجی تجربه مایی. *مطالعات ناتوانی*، ۱۲(۰)، ۰-۰. https://sid.ir/paper/1126835/fa

نوروزی، س.، رضاخانی، س. و وکیلی، پ. (۱۳۹۹). رابطه ی بین سبک های حل تعارض، بهزیستی روان شناختی و ثبات ازدواج: ارائه یک مدل علی. *زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)*، ۱۱(۲ (مسلسل ۴۲))، ۸۱-۱۰۴. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1399.11.42.5.1

Adzovie, Rita. (2020). Attaining Satisfaction in Marriage: A Study of Marital Satisfaction Levels of Married Christians in a Developing Country. *Technium Social Sciences Journal, 12*, 160-172. http://dx.doi.org/10.47577/tssj.v12i1.1682

Bem, S. L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42(2), 155–162. https://doi.org/10.1037/h0036215

Bem, S. L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88(4), 354–364. https://doi.org/10.1037/0033-295X.88.4.354

Byrne, B. M. (2010). *Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming. New York: Routledge. https://doi.org/10.4324/9780203805534*

Davidson, B. (1984). A test of equity theory for marital adjustment. *Social Psychology Quarterly, 47*(1), 36–42. https://doi.org/10.2307/3033886

Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming Apart: A Prognostic Instrument of Marital Breakup. *Family Relations*, 36(2), 168–170. https://doi.org/10.2307/583948

Frisco, M. L., & Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of family issues*, 24(1), 51-73. https://doi.org/10.1177/0192513X02238520

Ghobadi , F. Salehi Rizi , E. & Afzood , A. (2023). Structural model of marital commitment based on irrational beliefs and marital justice with the mediation of cognitive emotion regulation. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*. 4(2), 60-78. https://doi.org/10.61838/kman.aftj.4.2.4

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

Hair, J., Black, W. C., Babin, B. J. & Anderson, R. E. (2010). *Multivariate data analysis* (7th ed.). Upper Saddle River, New Jersey: Pearson Educational International. https://www.researchgate.net/publication/237009923

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York :The Guilford Press. https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-000

Lazuardi, Cut & Puspitawati, Herien. (2022). Gender's role in financial management and purchasing decisions on the quality of dual-earner family marriage during the covid-19 pandemic. *Journal of Child, Family, and Consumer Studies*, 1(2):96-107. https://doi.org/10.29244/jcfcs.1.2.96-107

Lee, Sun-Hee. & Kim, Hye-Sun. (2021). The Effect of Married Women's Parental Problem Drinking and Gender Equality Consciousness on Marital Communication. Crisis and Emergency Management: *Theory and Praxis*. 17. 129-145. http://dx.doi.org/10.14251/crisisonomy.2021.17.10.129

Oyegunwa, O. R., Salami, L. I., & Gbadebo, C. T. (2019). Factors influencing marital stability among staff of universities in edo state Nigeria. *International Journal of Family and Consumer Sciences*, 8, 70-81. https://ijfacs.org/index.php/ijfacs/article/view/9

Perry, B. J. (2004). *The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African Americans and Caucasians*. The Ohio State University. http://rave.ohiolink.edu/etdc/view?acc_num=osu1078783478

Pietromonaco, P. R., Overall, N. C., Beck, L. A., & Powers, S. I. (2021). Is low power associated with submission during marital conflict? Moderating roles of gender and traditional gender role beliefs. *Social psychological and personality science*, 12(2), 165-175. https://doi.org/10.1177/1948550620904609

Pourshahbaz, Abbas. Eftekhar, Mehrdad. Dolatshahi, Behrooz. Ranjbar, Hadi. & Taban, Mozhgan. (2020). Gender role conflict: Is it a predictor of marital dissatisfaction? A cross sectional study in Tehran. *Medical Journal of The Islamic Republic of Iran*. http://dx.doi.org/10.47176/mjiri.34.84.

Purwitasari, Tya & Al-Mubarok, Muhammad. (2023). Packed lunch phenomenon for husbands: Netizen's contestation about gender roles. *Marwah: Jurnal Perempuan, Agama dan Jender*. 22. 72-86. http://dx.doi.org/10.24014/marwah.v22i1.16703

Singh, V. Bhargava, D. Singh, A. Das, I. & Saurabh, Y. (2024). *Basics of Community Science*. Elite Publishing House. (First ed). https://www.researchgate.net/publication/379048660_Basics_of_Community_Science

Spanier, G. B. (1976). Measuring Dyadic Adjustment: New Scales for Assessing the Quality of Marriage and Similar Dyads. *Journal of Marriage and Family*, 38(1), 15–28. https://doi.org/10.2307/350547

Taniguchi, H., & Kaufman, G. (2022). Sharing the load: Housework, joint decision-making, and marital quality in Japan. *Journal of Family Studies*, 28(3), 914-933. https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1769707

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]